

در برابر اسلام سیاسی در خیابانهای اروپا ایستادیم!

سهیلا شریفی



بگذارند. این نوع ادعاهای راسیستی زیاد خوشایند بسیاری از مردمی که از سلطه مذاهب بر زندگی‌شان بیزارند نیست.

از طرف دیگر سلطه نسبتاً زیاد تئوری نسبیت فرهنگی بر افکار عمومی اروپا باعث شده است که هر نوع اعتراضی به قوانین اسلامی و دیگر مذاهب فوری با مارک راسیسم جواب بگیرد و سرکوب شود. خلیها با وجود تنفرشان از این قوانین از اعلام علنی مخالفت خود با آنها می‌پرهیزند، چون دوست ندارند، راسیست نامیده شوند. این اتفاقاً یکی از برجسته‌ترین جنبه‌های تبلیغی اسلام‌پرستان در ایندوره و در تقابل با سیاست شیراک بود.

مسئله مهم دیگری که مانع از به خیابان ریختن مردم و تقابل آنها با اسلام سیاسی شد، ترس بود. ترس از جریان‌های تروریستی و باندهای ضد بشری اسلامی، ترس از درگیر شدن با این نیروی سیاه و آدمکش. ترس از حملات انتحاری و تروریسم و بمب و لت و پار شدن در قطار و اتوبوس. مردمی که هرروز از صفحه تلویزیونهایشان شاهد وحشیانه‌ترین و غیر انسانی‌ترین کشتارها توسط باندهای تروریست اسلامی هستند، خود را محق می‌دانند در مقابله با آنها محتاط باشند. (کسانی که با احترام حرکت ما را از دور نظاره می‌کردند و یا به ما می‌گفتند شما ها خیلی شجاع هستید که در مقابل اسلام‌پرستان می‌ایستید، کم نبودند.)

از طرف دیگر جریان‌های اصطلاح چپ عقب مانده و سنتی

لندن تظاهراتهای ما مورد توجه رسانه‌ها و مطبوعات قرار گرفت و با فعالین و شخصیت‌های آزادی‌زن چندین مصاحبه انجام شد. اما اکثریت عظیم مردمی که میبایست در این روز به خیابانها ریخته و بساط سازمانهای مرتجع را جمع کنند، در خانه مانده و با تنفر و وحشت مارچ اسلام‌پرستان را در خیابانهای اروپا که زمانی در کنترل جنبش‌های رادیکال و



سکولار و برابری طلب بودند، نظاره کردند. دلایل متعددی آنها را از عکس‌العمل در مقابل این تعرض اسلام سیاسی باز داشت.

اول اینکه لایحه اخیر توسط دولت شیراک ارائه شده است و مردم بطور طبیعی با شک و بی‌اعتمادی به دولت‌های دست راستی مانند دولت شیراک می‌نگرند و نگران آنند که چنین سیاست‌هایی باعث سربلند کردن راسیسم در اروپا شود. این نگرانی البته خیلی هم بی‌پایه نیست، چرا که در همین مدت بحث‌هایی از جانب راست افراطی در اروپا مطرح شد مبنی بر اینکه مردم اروپا مسیحی هستند و خارجیانی که به این کشورها می‌آیند باید به قوانین آن احترام

ببست و یکم همین تعداد هم فضا را مناسب می‌بینند که به خیابان آمده و در دفاع از مذهب و بردگی زن و کودک شعار دهند، زنگ خطری است که نباید به آن بی‌توجه بود.

سازمان آزادی‌زن و فعالین کمونیست تنها نیروئی بودند که در تقابل با جریان‌های اسلامی دست به تظاهرات زدند و از سکولاریسم و کوتاه کردن دست مذهب از

لایحه جدیدی که دولت فرانسه در ممنوعیت مظاهر مذهبی در مدارس و ادارات دولتی ارائه داده است، بحثها و مجادلات فراوانی را در سراسر دنیا براه انداخته و بار دیگر موضوعاتی مانند حجاب اسلامی، جدائی مذهب از دولت، سکولاریسم و اسلام سیاسی را به صفحات روزنامه‌ها کشانده است. این لایحه همچنین فرصتی را برای جریان‌های مرتجع اسلامی فراهم آورد تا تعرضی دیگر به دستاوردهای بشریت متمدن در اروپا سازمان داده و سعی کنند با نشان دادن گله حزب الله در خیابانهای لندن و پاریس و ایجاد جو ترور و وحشت جا پای اسلام سیاسی را محکم کنند.

روز ۱۷ ژانویه روزی بود که جریان‌های اسلامی برای یک حرکت بین‌المللی علیه لایحه ممنوعیت مظاهر مذهبی اعلام کرده بودند. در بعضی از شهرهای اروپا و خاورمیانه آنها توانستند تظاهراتهای کمابیش وسیعی سازمان دهند. در پاریس و لندن و چند شهر دیگر چند هزار نفر به خیابان ریختند تا فریاد نفرت انگیز الله اکبر سر دهند و سایه سیاه اسلام را بر جامعه بیافکنند.

بعضی صاحب‌نظران معتقدند، کسانی که تظاهرات کردند بهیچوجه قابل مقایسه با کل جمعیت مسلمان این کشورها نبوده و در مقایسه با شمار مسلمانان ساکن پاریس و لندن، عده قلیلی بودند. می‌گویند برخلاف ادعای جریان‌های اسلامی و رسانه‌های غربی، اکثریت مسلمانان از اسلام سیاسی پیروی نمی‌کنند و به فراخوان اسلام‌پرستان پاسخ ندادند. این مشاهده در کل درست است اما اینکه در اروپای قرن

زندگی مردم دفاع کردند. در شهرهایی مانند برلین و لندن و استکهلم و اسلو، ما در مقابل شعارهای ارتجاعی اسلامی، از انسانیت و آزادی و برابری دفاع کردیم، خواهان فراتر رفتن دولت فرانسه و دیگر دول اروپائی از لایحه نیم بند شیراک و تعطیل کردن مدارس مذهبی و کوتاه کردن دست مذهب از زندگی کودکان شدیم. ما بشریت متمدن را در این روز نمایندگی کردیم و نگذاشتیم ۱۷ ژانویه تنها به اسم اسلام سیاسی ثبت شود. صف تظاهراتهای ما گرچه کوچکتر از صف اسلام‌پرستان بود، اما بخاطر شعارهای رادیکال و خلاف جریان‌های جلب توجه می‌کرد. در برلین و